

## سندیکا، سنگ اول بنای دموکراسی

متن زیر گفتگویی است بین خبرنگار نشریه «نامه» با منصور اسانلو عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که در شماره ۳۹ نیمه تیر ۱۳۸۴ این نشریه منتشر شده است. با توجه به اهمیت شکلگیری سندیکاهای مستقل در ایران و برای آشنایی خوانندگان نشریه اتحاد کار با مسائل و مشکلات فعالین سندیکایی در ایران، متن گفتگو در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد.

نشست روبه‌رویمان با خطی اریب که از روی گونه تا نزدیکی‌های شاهرگ تپنده‌اش کشیده شده بود؛ به تیزی دشنه و زبانی که هنوز زخمی جراحت تیغ موکت‌بری بود که می‌خواست او دیگر هیچ نگوید. اما منصور اسانلو نشسته بود تا سخن بگوید. صحبت از هجوم مسلحانه به دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد را تکرار مکررات دانستیم، چرا که روزنامه اقبال، نشریه تولید و مصرف و همین اواخر روزنامه صاحب قلم آن را روایت کرده بودند. پس پرداختیم به چگونگی تولد سندیکای کارگران شرکت واحد که منصور اسانلو رییس هیات مدیره‌اش با خون خود شناسنامه آن را مهر کرده است.

آقای اسانلو شما پیش از این که موفق شوید سندیکای کارگران شرکت واحد را راه‌اندازی کنید عضو جمعی بودید به نام "هیات‌های موسسان سندیکاهای کارگری." اصلاً چه‌طور شد که شما با این جمع ارتباط گرفتید و اصلاً چرا این رابطه برقرار شد؟

از سال ۱۳۳۵ که شرکت واحد تاسیس شد، کارگرانی که علاقه‌مند به تشکیل سندیکا و فعالیت سندیکایی بودند از همان زمان برای ایجاد یک سندیکای کارگری به جهت حقی‌طلبی و به دست آوردن حقوق اجتماعی، بهبود شرایط کار و بهبود زندگی دست به تلاش‌های اولیه می‌زدند. در سال ۱۳۳۹ زیربنای اولین سندیکا را تشکیل می‌دهند و برای اعلام موجودیت سندیکا اقدام می‌کنند که با

تعرضات ساواک و حمله‌ای که به برخی از سندیکالیست‌های آن زمان می‌شود، موفق نمی‌شوند سندیکا را ثبت کنند. در سال ۱۳۴۲ پی‌گیری آن نبردهای اولیه توسط کسانی مثل ساروخانیان، پیش‌کسوت سندیکایی‌های شرکت واحد که پیش از ۲۸ مرداد ۳۲ با علی امید و دیگران در جنبش کارگری فعال بود، علی مخبر، علیرضا فرهادی، علی‌اکبر خبازها، پاکزاد، گروه‌ای و چند نفر دیگر به شکل سازمان یافته آغاز می‌شود که دست آوردهایی هم داشته است. مثل برقراری سرویس، گرفتن لباس کار، گرفتن کفش ایمنی و گرفتن آب آشامیدنی در مناطقی که آن زمان در آب انبارها بوده است.

در سال ۱۳۴۷ سرانجام سندیکای کارگران شرکت واحد به ثبت می‌رسد و کارگران موفق می‌شوند چهار سندیکا تشکیل بدهند که عبارت بوده‌اند از سندیکای رانندگان، سندیکای کمک رانندگان، سندیکای کارگران فنی و سندیکای بلیط فروش‌ها. این چهار سندیکا در تمام امور با همدیگر مباشرت و همکاری نزدیکی داشتند که این همکاری نزدیک باعث می‌شود اتحاد خیلی خوبی بین کارگران شرکت واحد به وجود بیاید. دستاورد این اتحاد برقراری پنج پیمان دسته جمعی با کارفرما بود که دو سال به دو سال تجدید می‌شدند و در هر تجدید پیمان کارگران موفق می‌شدند امتیازات جدیدی از کارفرما بگیرند. امروز هم بسیاری از مزایایی که کارگران شرکت واحد از آن بهره‌مند هستند؛ دستاورد مبارزات آن پیش‌کسوت‌های کارگری است که متأسفانه بعد از انقلاب بخشی از آن دستاوردها از دست رفت. یکی از کارهای ما امروز این است که آن توافق‌نامه‌های پیمان‌های دسته جمعی را به کارفرما یادآوری کنیم تا این حقوق فراموش شده را به کارگران برگردانند.

پس تفکر سندیکایی در شرکت واحد وجود داشته است. خود من هم به لحاظ این که در یک خانواده کارگری روشن‌فکر رشد پیدا کردم و پدرم باقر اسانلو از نمایندگان سندیکای کارگری پخش شرکت واحد بود، به نوعی در خانواده با سنت‌های سندیکایی آشنا شدم. بعد هم داخل شرکت واحد رفتم و با کارگران قدیمی که بازمانده‌های نسل عقاب‌های سندیکایی بودند، ارتباط برقرار کردم. به تدریج طی سال‌هایی که در شرکت واحد کار می‌کردم به همراه دوستانم از دهه شصت یک هسته اولیه‌ای را برای ایجاد سندیکای کارگری مستقل به وجود آوردیم. طی دهه هفتاد که کارگرهای قدیمی شرکت واحد بازنشسته شدند و محیط کار از پیشکسوتان سندیکایی خالی ماند، وظیفه سنگینی برعهده ما گذاشته شد که کارگران جدیدتر را با مسایل سندیکایی آشنا کنیم. طی دهه هفتاد ما به نوعی محفل‌های کارگری داشتیم که در این محافل در خانه‌ها، در محل کار، هنگام

ناهار یا گاهی که بیرون می‌رفتیم آن هسته‌های اولیه را گسترش بیش‌تری دادیم.

بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ که فضای اجتماعی به‌خاطر پیش‌نیازهای ضروری جامعه بازتر شد، گسترش فعالیت ما هم بیش‌تر شد. تا این که با هیات‌های موسسان سندیکاهای کارگری آشنا شدیم. این جمع حوزه فعالی را در اواخر دهه هفتاد ایجاد کرده بودند که بیش‌تر یک حوزه آموزشی بود و در آن مباحث بنیادی و اولیه مسایل سندیکایی را با همدیگر طرح می‌کردند. اینان همان مکتب عقاب‌های سندیکایی را ادامه می‌دادند؛ یعنی "آموزش، آموزش، آموزش و تشکیلات، تشکیلات، تشکیلات." اگر امروز محافل مختلفی از سندیکایی‌ها به تدریج در نقاط مختلف ایران در حال شکل گرفتن است واقعاً نقش برجسته هیات‌های موسسان سندیکاهای کارگری را نباید از یاد ببریم.

ما از طریق خواندن مقالات این دوستان در ماهنامه اندیشه جامعه و ارتباط با پیشکسوتان سندیکایی، این محفل آموزشی، اندیشه‌ای و سندیکایی را شناختیم و به خدمت دوستان رسیدیم. در نتیجه جمع متشکل‌تر و گسترده‌تری را تشکیل دادیم. هنوز هم این جمع دارد به شکل یک بنیانگذار و آموزش دهنده کار خودش را انجام می‌دهد. این نوع ارتباطی بود که ما توانستیم با دوستان اندیشمند جنبش کارگری نوین ایران برقرار کنیم و بعد هم با خود آموزی‌ها، هم آموزی‌ها و راهنمایی‌های متقابل به این نقطه رسیدیم که اولین سندیکای کارگری را دوباره بازگشایی کنیم که همین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است.

با توجه به این که سندیکاهای کارگری از لحاظ قانونی به رسمیت شناخته نشده‌اند شما چه‌گونه توانستید سندیکای کارگران شرکت واحد را بقبولانید؟

ما در ابتدا سعی کردیم به منابع قانونی در این زمینه دست پیدا کنیم. منظور من از منابع قانونی فقط قوانین داخلی کشور نیست. بلکه منظورم قوانینی که در سطح جهان مورد تایید است و سازمان ملل متحد و سازمان جهانی کار هم آن را پذیرفته‌اند، را هم در بر می‌گیرد. تکیه دوگانه ما به هر دو نوع این قوانین یعنی قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی به نظر من راهگشای ما بود که با حقانیت طبقاتی خودمان به لحاظ قانونی آشناتر شویم و به خودمان ایمان بیاوریم. این ایمان ناشی از آگاهی بود. یعنی مطالعه مداوم وجست‌وجوی مداوم. ما توانستیم مقاله‌نامه‌های بین‌المللی کار را که توسط سازمان جهانی کار منتشر شده بود به دست بیاوریم و مطالعه کنیم. موفق شدیم منشور جهانی سندیکایی را پیدا کنیم و بخوانیم. ما تکیه کردیم به بخش‌های عمده‌ای از اعلامیه جهانی

حقوق بشر. ما دانستیم سندیکایی مستقل و آزاد است که بدون دخالت هر نهاد غیر کارگری فقط با رای و نظر کارگرها نمایندگان خودش را انتخاب کند و این نمایندگان برای دفاع از حقوق کارگران در این تشکیلات سندیکایی متحد شوند. الان چون ما مستقل هستیم سندیکای بین‌المللی کارگران حمل و نقل (IFT) که زیر مجموعه کنفدراسیون عمومی سندیکاهای آزاد کارگری است از ما خواسته است عضو این مجموعه شویم و با یک اعتراض صد و چهل و پنج میلیون نفری از ما در مقابل حمله‌ای که به سندیکایمان شد دفاع کرده است.

یکی از مشکلاتی که ما داشتیم این بود که اول باید این آگاهی‌ها را به همه همکارانمان می‌رساندیم. ما این آگاهی‌ها را به تدریج از طریق پخش اطلاعیه‌ها، بیانیه‌ها، مصاحبه در روزنامه‌ها، چاپ مطالب مربوط به سندیکاهای در نشریات مختلف و حتی استفاده از مصاحبه‌های بخشی از عناصر روشن‌فکر و به نظرم بسیار خردمند سندیکاهای کارفرمایی بین همکارانمان پراکندیم. خلاصه کنیم ایمان به کاری که انجام می‌دهی، اطلاع از قوانین داخلی و جهانی سپس مطالعه و آموزش خیلی بیشتر، تکیه بر فشاری که سازمان‌های بین‌المللی برای وادار کردن کشورها به رعایت کردن قوانین جهانی وارد می‌کنند، دانستن تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی در سطح جهان و همچنین در سطح ملی و بعد دانستن تاریخ جنبش سندیکایی کارگران شرکت واحد رمز موفقیت ما بوده است. بعد هم باید از خور و خواب بزنی وقتی وارد کار اجتماعی و سیاسی می‌شوی برای بهبود جهان. ما تلاش کردیم تا ذره‌ذره اطلاعاتمان را به دیگر همکارانمان انتقال دادیم. روزی بود که ما پنج نفر بودیم ولی امروز افتخار می‌کنیم که چندین هزار نفر علی‌رغم شرایط سخت برگزاری مجمع عمومی، آمدند و رای دادند.

آقای اسانلو! معمولاً در آغاز چنین فعالیت‌هایی بخشی از کارگران در یک واکنش طبیعی به خاطر حفظ موقعیت شغلی وارد سندیکا نمی‌شوند و با سندیکا همکاری نمی‌کنند. می‌خواهم بدانم که این مشکل چه‌گونه حل شد و چه‌گونه از پنج نفر تبدیل شدید به سندیکایی با چند هزار عضو؟

این موضوع که شما به آن اشاره کردید هنوز هم حل نشده است. در بین کارگرانی که هنوز به ما نپیوسته‌اند نوعی ترس از این که اخراج می‌کنند، تبعید می‌کنند، اضافه کار را قطع می‌کنند یا امکانات شغلی را می‌گیرند وجود دارد. اما مساله این است که ما شرایط بی‌رحمانه‌ای در شرکت واحد داشتیم. کار بسیار سخت و سنگین که به خصوص راننده‌های ما با آن روبه‌رو می‌شوند ولی حقوقی که می‌گیرند حتی به

اندازه خط فقر هم نیست و صدقاتی که همکاران ما برای پیشبرد این قضیه نشان دادند و آن درد مشترک توانست مقداری راهگشا باشد و بیش‌تر از همه پافشاری ما که حاضر شدیم هزینه‌اش را هم بپردازیم. ما الان ۱۵ کارگر اخراجی داریم، مناطق بیش‌تر از ۳۰ همکار ما را جابه‌جا کرده‌اند و ایشان را به مناطق دور دست فرستاده‌اند، اضافه کار و دوپل بیش‌تر از ۵۰ همکار ما را قطع کرده‌اند و ۵ نفر از کارگران ما را معلق کرده‌اند. کار فرما هم از حمایت‌های مختلف حکومتی برخوردار است. مدیر عامل فعلی شرکت واحد از یکی نهادهای آمده و از جاهایی حمایت می‌شود.

اما ما ایستاده‌ایم چون که سندیکاخواهی و حق‌طلبی جرم نیست. جرم این است که کارگر غیبت کند، سرکارش نیاید یا آیین‌نامه‌های کار را زیرپا بگذارد. داشتن اندیشه طبق اصل ۲۳ قانون اساسی جرم نیست. شما می‌توانید شورا را دوست داشته باشید یا سندیکا را. این نباید دلیل اخراج باشد، نباید دلیل قطع مزایای کاری باشد. به‌رحال من فکر می‌کنم همه این‌ها در غلبه بر محیط ترس و وحشت نقش داشت. هم زمینه ظالمانه خیلی زیاد بود، هم این که ما روی مطالباتمان پافشاری کردیم. با ترس از اخراج و محروم شدن از مزایا، دست از تلاش برنداشتیم. الان پنج‌ماه است که من حقوق نمی‌گیرم. دوستان دیگر هم مثل من. ابراهیم مددی، عبدالله رومنان، آیت جدیدی، احد فرشچی، علی زادحسین، حسن کریمی، محمود هژبری، علی‌اکبر پیرهادی، بهروز حسینی، سید داوود رضوی و خیلی دیگر از دوستان ما هر یک به‌نوعی یا اخراج شده‌اند یا معلق شده‌اند یا قطع مزایا شده‌اند ولی دست از سندیکاخواهی برنداشته‌اند؛ چون ایمان آورده‌اند که این موضوع نه فقط راه‌حلی برای کارگران شرکت واحد است بلکه راه‌حلی است برای تمامی کارگران و زحمت‌کشان یدی و اندیشه‌ای ایران.

خانه کارگر سال‌هاست که ادعا می‌کند نماینده واقعی کارگران ایران است. اگر این ادعا درست باشد شما چه لزومی احساس کردید برای تشکیل سندیکای کارگری؟

خب، ملاک این است که این ادعا درست باشد یا نه. ما یک مصاحبه‌ای داریم از آقای سعید هوشمند مدیر کل امور کارگری - کارفرمایی وزارت کار. مصاحبه مربوط به ۱۸ خرداد ۱۳۸۴ است که در آن‌جا بحث می‌کند در مورد انجمن‌های صنفی، سندیکاهای شوراها و خانه کارگر. در این مصاحبه آقای هوشمند به‌عنوان مدیر کل وزارت کار، خانه کارگر را یک تشکل غیر صنفی می‌داند؛ چون که خانه کارگر در کمیسیون ماده ده وزارت کشور به ثبت رسیده است و ثبت کارگری ندارد، پس به هیچ‌وجه نمی‌تواند

ادعای نمایندگی صنفی کارگران را داشته باشد. این یک دلیل خیلی روشن و قانونی. مورد دوم این که اصلاً ساختاری که خانه کارگر در آن شکل گرفته ساختار قانونی نیست. این‌ها یک سند بی‌اورند که کجا انتخابات برگزار شده که آقای محبوب شده دبیر کل این تشکیلات؟ آیا یک مجمع عمومی بدون دخالت دولت یا وزارت اطلاعات برگزار کرده‌اند؟

خانه کارگر در اصل در ضدیت با سندیکاهای کارگری به وجود آمد؛ چون فکر می‌کردند این سندیکاهای می‌توانند جای پای باشند برای نیروهای چپ ایران مثل حزب توده یا فداییان خلق. حالا من این‌ها را در شرایطی می‌گویم که به ما در دادگاه همه نوع تهمت هم زده‌اند؛ هم توده‌ای، هم رستاخیزی، هم ساواکی، هم مشارکتی، هم حکمتی، هم طاغوتی، همه چیز به ما گفته‌اند. ولی ما ترسی از این تهمتها نداریم. کار خودمان را می‌کنیم و تا زمانی هم که جان در بدن داریم راهمان را ادامه می‌دهیم. مجموعه خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به دلیل اینکه ایدئولوژیک هستند نمی‌توانند نماینده کارگران باشند؛ چون مطابق مقوله نامه ۸۷ یک پدیده ایدئولوژیک نمی‌تواند یک تشکل صنفی باشد. مساله صنفی در استاندارد جهانی فقط مبتنی بر رابطه شخص است با ابزار تولید و نحوه توزیع ثروت و دریافتی‌هایی که از ثروت اجتماعی دارد. این است که شورای اسلامی کار و خانه کارگر نمی‌توانند نماینده واقعی کارگران باشند هم به‌لحاظ نوع ثبت‌شان، هم به‌لحاظ نوع تشکیلاتشان که اوایل انقلاب با چوب و چماق به سازمان کارگران ایران در خیابان ابوریحان حمله کردند که همه سندیکاهای آن دفتر داشتند و آن‌جا را اشغال کردند، نه با رای و انتخابات که به زور و هم به‌لحاظ این که در انتخاب کارگرها برای شورای اسلامی کار یک هیات تشخیص صلاحیت باید باشد و نماینده کارفرما و نماینده دولت هم نظر بدهند که چه کسی می‌تواند نماینده کارگران بشود. پس اصل سه‌جانبه‌گرایی رعایت نمی‌شود چون نماینده کارگران را در اصل کارفرما و دولت انتخاب کرده‌اند.

به همین دلیل وزارت کار مجبور شده بپذیرد فصل ششم قانون کار را که مربوط به تشکل‌های صنفی کارگری است، تغییر بدهد و استانداردهای جهانی مقوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را بپذیرد که اصل اولش، اصل آزاد بودن فعالیت‌های سندیکایی برای کارگران و ایجاد تشکلی است که خودشان به‌وجود می‌آورند و خودشان عضو می‌شوند.

آقای اسانلو! تا آن‌جا که می‌دانم سندیکا تشکل می‌شود که هم از حقوق صنفی کارگران دفاع کند و هم آن‌ها را از مزایای صنفی بهره‌مند کند. سندیکای

## مذاکره شهرداری با سندیکا

## شرکت واحد

ساعت ۱۰ صبح شنبه ۵/۲۹ حدود ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در مقابل اقامتگاه این شرکت در خیابان هنگام تجمع کردند. این افراد برای اعلام حمایت از نمایندگان خود که از سوی دولت برای مذاکره دعوت شده بودند، به محل مذاکره آمده بودند. این جلسه بنا به دعوت شهرداری تشکیل شده بود.

منصور اسانلو از اعضای هیئت مدیره سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی با اشاره به قانونی بودن تجمع و خواسته های کارگران اعلام کرد: «کارگران ایرانی از جمله کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، مجبورند بسیار بیشتر از ۸ ساعت در روز کار کنند و با وجود این بازهم از لحاظ مالی تامین نمی شوند و این یکی از علل جنایاتی است که در منطقه های کارگر نشین تهران رخ می دهد.» وی در بیان خواسته های صنفی کارگران اعلام کرد: «ما هرساله حق دو دست کت و شلوار و دو دست پیراهن داریم. که امسال هنوز خبری نیست. بعلاوه راننده ای که ۱۲ ساعت در خیابان های پر دود کار می کند باید شیر بخورد تا سرطان نگیرد؛ اما مسئولین توجهی به این مسئله ندارند.»

اسانلو که بدلیل کارمند بودن به جلسه شورا راه داده نشده بود، پذیرش مذاکره با کارگران از سوی مدیران ارشد شهرداری را، یک پیروزی بزرگ و بی سابقه حداقل در دو سال اخیر می دانست و آن را یک پیروزی برای جنبش کارگری به حساب می آورد. و روز ۲۹ مرداد را روزی تاریخی برای جنبش کارگری ایران قلمداد کرد. ابراهیم مددی از دیگر اعضای هیئت رئیسه سندیکا گفت: «جنبش سندیکایی با پیروزی و شکست به پیش می رود. این برای نخستین بار است که دولت کارفرما، نمایندگان سندیکا را برسمیت شناخته است و از آنان برای مذاکره دعوت می کند.»

۱۳ نفر از کارگران عضو سندیکا مدت ۵ ماه است که اخراج شده اند، البته با پیگیری و شکایات انجام شده، کارفرما مجبور شده که ۸ نفر از آنان را به کار بازگرداند.

نوزاد یک ماهه تا همسران برخی کارگران یعنی سندیکا یک مکتب آموزشی دموکراتیک، انسانی و اخلاقی است و به خاطر همین دشمنان زیادی دارد. هفته‌های پنجاه جلد کتاب قانون کار و قانون اساسی این‌جا به کارگران شرکت واحد فروخته شده است تا آگاه شوند. ما در سندیکا چهارده کمیسیون داریم. کمیسیون‌های فرهنگی، آموزشی، ورزشی، رفاهی، تبلیغات، تشکیلات، صندوق همیاری، حقوقی و حل اختلاف. کارگران در این کمیسیون‌ها عضو می‌شوند، آموزش می‌بینند و بعد از دو سال هر کدام به یک رهبر سندیکایی تبدیل خواهند شد. چنین است که سنگ اول بنای دموکراسی از سندیکا آغاز می‌شود.

## درگذشت آقای اسدالله

## کسرائیان

با کمال تأسف آقای اسدالله کسرائیان، پدر رفقای گرامی مان حجت و سیروس کسرائیان، در سن ۸۷ سالگی روز جمعه یازدهم شهریور ماه درگذشت وی در دوران کودکی پس از دست دادن پدر و مادرش، از بروجرد به خرم آباد رفت و در همانجا طعم تلخ تبعیض و رنج را کشید. همین امر باعث گردید تا پایان عمر سراسر درد خود هرگز در مقابل زور و ظلم تسلیم نشود.

او در جوانی بینائی خود را از دست داد و با وجود آنکه عملاً، توان کار کردن را از دست داده بود، توانست با تدبیر خانواده پر جمعیتش را به نحو احسن سرپرستی کند. هنرمندان سرشناس و متعهدی چون نصرالله، فتح‌الله، حجت و سیروس کسرائیان، دست‌پروردگان این پدر زحمتکش هستند. با بزرگ شدن فرزندانش، اگرچه میبایست از مشکلاتش کاسته شود ولی با وجود دو نظام استبدادی سلطنتی و اسلامی در طی زندگیش، غم دستگیری، تحت پیگرد بودن و آزار و اذیت فرزندانش بر همه آن دردها افزود. با این حال هرگز آن همه رنج و درد باعث نگردید که از آن همه عذوبت و مهربانیش نسبت به هم نوعانش کاسته شود.

«اتحاد کار» درگذشت زنده‌یاد اسدالله کسرائیان، را به هنرمندان و یاران عزیز نصرالله، فتح‌الله، حجت و سیروس و سایر اعضای خانواده محترم او صمیمانه تسلیت می‌گوید.

کارگران شرکت واحد تا به امروز برای کارگران این شرکت چه کرده است؟

داشتن چنین توقعی از سندیکا یک مقدار زود است. ولی همین شش ماهی که بحث سندیکا مطرح بود باعث شد که کارفرما در بعضی از رفتارهایش تغییر به‌وجود آورد. مثلاً کارگران را در ساعت خارج از خدمت برای امر اداری می‌خواستند در صورتی که این ظلم است. اگر من را برای کارم می‌خواهی باید در ساعت کارم بخواهی. ساعتی که کار نمی‌کنم دیگر در اختیار تو نیستم و باید به خودم و خانواده‌ام بپردازم. این به تدریج در بین کارگران هم جا افتاده و هیچ کارگری در ساعت خارج از خدمتش برای امر اداری مراجعه نمی‌کند. کارگران عزیز ما را از منطقه پنج یعنی جاده قدیم کرج می‌خواستند که در نارمک به فلان مسئله جواب بدهند، اما الان کارگران آگاه ما از کارفرما می‌خواهند که برای چنین مسائلی سرویس رفت و برگشت تدارک ببیند. به غیر از این کارفرما به مدت یک سال به طور غیر قانونی ماهانه هزار تومان از حقوق کارگران کم می‌کرد. سندیکا روی این مسئله کارکرد و نامه‌ای را با هفتصد امضا به بازرسی کل کشور فرستاد که رای به نفع کارگران صادر شد و کارفرما مجبور شدی مبلغی در حدود دویست و سی میلیون تومان را با فیش فروردین به کارگران برگرداند. یعنی هر نفر دوازده هزار تومان. ما هنوز هم دنبال این هستیم که سود این پول در این مدت چه شده است؟ همچنین شهرداری در سال ۱۳۸۳ حقوق همه کارگران و کارمندان زیر مجموعه‌اش را ۱۴ درصد افزایش داد و با توجه به این که شرکت واحد هم یکی از شرکت‌های تابع شهرداری تهران است بایستی این افزایش حقوق را می‌گرفت. نگرفتن این افزایش حقوق تبدیل به جنبشی شد که نهایتاً سندیکای کارگران شرکت واحد موفق شد با مطرح کردن این ماجرا کارفرما را وادار کند مبلغی را تا امروز به کارگران بدهد.

اما به نظر من بیشترین تاثیری که سندیکا دارد قضیه این ریال‌ها نیست. سندیکا موجب شده کارگران شرکت واحد پس از سال‌ها احساس سربلندی کنند. یک محلی را پیدا کنند که دور هم بنشینند، گفت و گو کنند، دردها را بشناسند و درمانش را پیدا کنند. از غریبگی خارج شوند. نولیبالیسم سعی‌اش بر این است که آدم‌هایی ایجاد کند که یا به تنهایی بمیرند یا به تنهایی برای غلبه بر مشکلات انسان‌های دیگر را ناپود کنند تا خودشان از زندگی بهتری بهره‌مند شوند. سندیکای ما این تفکر را به شدت تحت فشار قرار داده است. کسانی که به سندیکا آمدند آموزش دیدند. شصت و سه نفر از کارگران سندیکایی سیگارشان را ترک کرده‌اند. ما الان سی و پنج عضو افتخاری از بین خانواده کارگران سندیکای داریم. از